

---

حقوق و ارادی‌های زن در اسلام

مؤلف: همدان عماره

مترجم: یاسین بله

---

عمارہ، محمد، Imarah, Muhammad.

التحریر الاسلامی للمرأة، فارسی

حقوق و آزادی‌های زن در اسلام / مولف محمد عماره؛ مترجم یاسین عبدی.

تهران: نشر احسان، ۱۳۹۷. ۲۴۰ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۳۴۶-۹

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۳۱] - ۲۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: زنان در اسلام، Women in Islam؛ زنان مسلمان -- کشورهای اسلامی -- وضع اجتماعی،

Social conditions -- Muslim women -- Islamic countries؛ فمینیسم -- جنبه‌های مذهبی-

اسلام، Feminism -- Religious aspects of Islam.

شناسه اف ۵۵: عبد یاسین، ۱۳۶۳ - مترجم

رده بندی ۱۳۹۰: ۳۰۰/۱۷۲/ع۸ت۳۰۰/۱۳۹۰ BP۲۳۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷


شماره کتابشناسی ملی: ۶۸۵۵

---

◆ تهران، خیابان ابلاب، سروی، دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶.

www.nashrehsan.com

تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴



## حقوق و آزادی‌های زن در اسلام

مؤلف: محمد عماره

مترجم: یاسین عبدی

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مهارت

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۳۴۶-۹

## فهرست مطالب

۱۱	مقدمه‌ی نگارنده بر ترجمه‌ی فارسی
۱۵	سخن مترجم
۲۷	پیش‌گفتار نویسنده
۵۹	بخش نخست: زن و صلاحیت مشارکت عمومی
۶۱	۱: مشارکت‌های عمومی زن
۷۳	۲: مشارکت در امور عمومی جامعه
۹۷	۳: پیرامون جهاد زنانه
۱۰۵	۴: پردازشی میان‌روانه از قاعده‌ی سد ذرائع
	بخش دوم: بررسی و پاسخ به پنج شبهه پیرامون الگوی اسلام حقوق و
۱۱۳	آزادی‌های زن
۱۱۵	درآمد
۱۱۹	۱: نصف بودن میراث زنان
۱۲۵	۲: نصف بودن شهادت و گواهی زنان
۱۴۷	۳: زنان و نقصان در عقل و دین؟!
۱۶۷	۴: ریاست و ولایت زنان

۱۷۹ ..... ۵: قوامیت مردان بر زنان

۱۹۹ ..... سخن پایانی

۲۰۵ ..... پیوست‌ها

پیوست نخست: دیدگاه عبدالحلیم ابوشقه درباره‌ی روایت نقصان عقل و دین زنان

۲۰۷ .....

۲۱۳ ..... پیوست دوم: فمینیسم، جریان‌ها و باورها

۲۲۱ ..... پیوست سوم: آله و ختنه‌ی زنان

۲۲۵ ..... پیوست چهارم: مسأله‌ی حقوق زن در اسلام

۲۳۱ ..... کتاب‌نامه

۲۳۵ ..... نمایه

www.ketab.ir

## مقدمه‌ی نگارنده بر ترجمه‌ی فارسی

اندیشه‌ی غربی منحنی بی‌سفت رشد و شکوفایی را خطی صعودی و بالارونده و منحنی عقب‌ماندگی، انحصار و ناکامی را خطی نزولی و پایین رونده و این دورا خط سیری همیشگی و ابدی می‌داند، اما اندیشه‌ی اسلامی این دورا فراز و فرودی متناوب و دورانی می‌داند که پیوسته بر افکار و جهان عارض می‌گردند و نوگرایی و نوزایی به عنوان یک سنت و قانون [الهی و حاکم سیاسی و افکار] به درازنای تاریخ این تبادل و دیالکتیک را برقرار می‌سازد.

در سنت نبوی نیز روایت‌هایی در رابطه با دیالکتیک پیسرفت و انحطاط که در گذر تاریخ وجود داشته، یافت می‌شود، از آن جمله پیامبر ﷺ فرموده است: «انذک زمانی پس از من طول نخواهد کشید که ستم پدیدار می‌شود و به میزان هر آن‌چه از این ستم پدیدار شده است، عدالت رخت برمی‌بندد، تا جایی که هر کس در آن روزگار به دنیا بیاید، چیزی جز ستم نخواهد دید. سپس خداوند سبحان عدالت را فراگیر خواهد کرد و به میزان هر آن‌چه از عدالت پدیدار شده است، ستم رخت

برمی‌بندد تا جایی که هر کس در آن روزگار به دنیا بیاید چیزی جز عدالت نخواهد دید.<sup>۱</sup>

اسلام ظهور یافت تا در ضمن آزادی نوع بشر، آزادی را برای زن نیز به ارمغان آورد. اسلام پدیدار گشت تا قید و بندهایی که بر دست و پای مردمان بسته شده بود را بگسلاند و از رهگذر آزادی، به آنان زندگی و حیات ببخشد که تشریح قانون آزادی در کفاره‌ی<sup>۲</sup> قتل خطا<sup>۳</sup> اشارتی به این معناست، چه که قاتل، انسانی را از شمار زندگان به مردگان ملحق می‌سازد و کفاره‌ی آزادی بردگان؛ مقابل و حکم عادلانه‌ی برابر آن است. آزادی بردگان به معنای رهنیدن انسانی از بردگی به آزادی است. به دیگر سخن بردگی به معنای مرگ و گرفتن حیات، و آزادی به معنای بخشیدن حیات و زنده‌سازی است.

۱. به روایت امام احمد

۲. (penance) کفاره از ماده‌ی (کفر) بوده که نسبت به معنای پوشاندن و مؤنث «کفار» به معنای جبران‌کننده و فروپوشاننده است. به «کشاوری» کافر<sup>۴</sup> بند زیرا آنه را زیر خاک پنهان می‌کند؛ و این که قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَن أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾<sup>۵</sup> تصریح بر این مطلب دارد که از گناهان آن‌ها چشم‌پوشی کرده و مجازات را برداشته است. از این جهت به کفارات، «کفاره» گویند، زیرا موجب پوشیده شدن و نادیده گرفتن گناهان می‌شود؛ لذا شأن کفاره، پوشاندن خاینه است. در فقه به برخی امور که در مقام جبران گناه یا مافات بر مؤمن مکلف مقرر است، کفاره می‌گویند. (مت‌جم).

۳. (unintentional homicide) واژه‌ی قتل در لغت به معنی ازاله‌ی روی از بدن و بر بین رفتن زندگی است. این واژه در اصطلاح فقه به عملی گفته می‌شود که ادامه‌ی زندگی و حیات از آنش گرفته و به مرگ شخص منجر شود. این عمل به دست قاتل انجام می‌گیرد. قرآن کریم کشتن انسان را از بعد عمدی و غیر عمدی مورد بررسی قرار داده و برای هر کدام احکام مخصوصی را وضع نموده است. وقتی کسی اشتباهاً و به طور اتفاقی، توسط شخص دیگری به قتل برسد، به آن قتل غیر عمد گفته می‌شود. این در حالی است که قاتل در عمل خود نیز قصد ضربه زدن به مقتول را نداشته و از بین رفتن مقتول کاملاً تصادفی صورت گرفته است. آیه‌ای که در قرآن به این نوع قتل اشاره دارد: «هیچ فرد بالمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر این که این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند (و در عین حال)، کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خون‌بهای بی‌کسان او بپردازد مگر این که آن‌ها خون‌بها را ببخشند.» (مت‌رجم).

از همان روزگاری که اسلام این قانون را در عرصه‌ی واقعیت و جامعه تشریح و تطبیق کرد، زن نیز در کنار مرد در عرصه‌ی مشارکت‌های عمومی جامعه حضور داشت که تمامی آن‌ها در ذیل مفهوم و فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر جمع می‌گردند و مرتبه‌ی نازل آن برداشتن خاری از سر راه مردمان و مرتبه‌ی اعلای آن شهادت بر شعار توحید است. زن نیز رسالت و مسئولیت دین را بر دوش کشید و در عرصه‌ی سیاسی و تشکیل دولت و دفاع از دعوت، امت [جامعه] و نظام نوپای اسلامی مشارکت کرد.

در این حوزه‌ی اسلامی رهبرانی از جنس زن در ضمن شاگردان و تربیت‌یافتگان مکتب پیامبر ﷺ پدیدار گشتند که مانند آن‌ها را هیچ‌یک از خیزش‌ها و جنبش‌های بشری به هزاران تاریخ به خود ندیده است. تراجم‌نویسان مسلمان [و حتی غیرمسلمان زن در «ایاق» معرفی تربیت‌یافتگان مکتب پیامبر ﷺ که شمارگان آن‌ها افزون بر هشت هزار است، به نام بیش از هزار زن شاخص اشاره داشته‌اند، اما واقعیت‌های متغیر اجتماعی و نایه‌ی میراث سنگین طبقاتی و قید و بندهایی که در پی فتوحات مسلمانان و هم‌پیمانی نهاد ابدیات خارجی که متوجه دولت اسلامی می‌شد، حقوق و آزادی‌های زن را به مانند دیگر گروه‌های حقوق و آزادی‌های عمومی بشر به انحطاط کشاند، تا جایی که کسانی که با معنی شدند که زن به سان اسیری در دستان مرد است همچنان که برده اسیر دست‌ارباب خود می‌باشد! این نگاه فرودستانه به زن طی سده‌های متمادی ادامه داشت تا جایی که بعدها کسانی لباس فقه اسلامی بر تن آن کرده و در پوستینی فقهی - اسلامی عرضه داشتند!

اما با ظهور نواندیشی اسلامی در عصر حاضر، سرآمدان آن کوشیدند تا ضمن خط کشیدن بطلان بر این نسبت‌های ناروایی که در زمینه‌ی حقوق و آزادی‌های زن

علیه اسلام داده می‌شد، هم‌چون صدر اسلام، حقوق و آزادی‌های پایمال شده‌ی وی را از نو بازسازی نمایند. اما در عرصه‌ی عمل و واقعیت‌های اجتماعی این ندای اصلاح‌گرایانه‌ی اسلامی با دو گونه از غلو و افراط‌گرایی مواجه است: گونه‌ی یکم: غلو و افراط‌گرایی دینی که کماکان بر آن است تا زن را در حاشیه و در بی‌نگاه داشته و نگاهی کالاگونه به وی داشته باشد.

گونه‌ی دوم: غلو و افراط‌گرایی لادینی است که در رکاب تهاجم غربی نوین وارد کشورهای اسلامی و محافل مسلمانان گشت و بر آن است تا زن را به طور کلی از اسلام و با همه قوانین و حقوق اسلامی رها سازد!

اما از آن‌جا که در این سطور خواهان ظفرمندی گفتمان نواندیشی و نوگرایی اسلامی بوده و باور داریم به آزادی زن به وسیله‌ی اسلام و نه آزادی زن از اسلام است، نگاه اسارت‌گونه به زن و در حاشیه باقی گذاشتن و نگرش کالاگونه به آن را مردود می‌شمارد و سبب نگارس این کتاب نیز از همین روست تا حقوق و آزادی‌های زن در اسلام را فارغ از افراط‌گرایی و شبهات غالیان دینی و لادینی عرضه نماید.

از آن‌جا که این کتاب به بیش از ده زبان زنده دنیا در شرق و غرب هم‌چون انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی و پرتغالی ترجمه شده است، برای نگارنده بسی مایه‌ی مباهات است که سظوری را به عنوان مقدمه در ترجمه‌ی فارسی آن بنگارد، با این امید هم‌چنان‌که برای خوانندگان دیگر ترجمه‌ی فارسی آن مایه‌ی برکت بوده است، برای خوانندگان فارسی نیز سودمند واقع گردد. انه سبحانه و تعالی خیر مسئول و اکرم مجیب

محمد عماره

۱۵ ذی‌القعدة ۱۴۳۵ هـ ق برابر با ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۴ م